

گزارش اکسیون اطلاع رسانی در رابطه با کشتار دهه 60 و تابستان 67 در شهر برمن

بعد از ظهر شنبه 21 سپتامبر 2013 مطابق فراخوانی که قبلا در سطح شهر و سایت های اینترنتی وسیعا پخش شده بود، در جلوی درب ایستگاه مرکزی قطار جمع شدیم. از آنجا که روز بعد مصادف بود با انتخابات کانسلر آلمان، در اماکن مرکزی شهر گروه های موسیقی و رقص از طرف احزاب مختلف برپا بود و جمعی هم اعلامیه های تبلیغاتی این احزاب را پخش می کردند. جنب و جوش حاصل از تنوع این برنا مه ها، تحرک خاصی به محیط شهر داده بود. زنان 8 مارس هم با استفاده از این جو موفق شدند وسیعا اعلامیه پخش کنند و با زنان و مردان بسیاری در رابطه با اتفاقات دهه 60 و بخصوص تابستان 67 صحبت کنند. بخشی از اطلاع رسانی ما که بیشتر مربوط به شرایط امروز دولت ایران و ترکیب کابینه روحانی می شد، بیشتر مورد جدل قرار می گرفت. همینطور نقد برخوردهای متناقض کشور های غربی با این قتل عام ها که به تناسب حُسن یا وخامت روابطشان با ایران شکل های متفاوتی به خود می گرفت، از مباحثی بود که ما به طرح آن می پرداختیم. یکی از دوستان ما، در پاسخ یکی از زنان آلمانی که در دفاع از دولت آلمان می گفت: "این دولت همواره حرکات ضد حقوق بشر را در دنیا محکوم کرده"، گفت که کشتار هزاران زندانی سیاسی تنها در طول یک تابستان، امری نیست که بتواند از چشم دولت های غربی پنهان بماند؛ ولی آن ها تنها بعد از گذشت بیش از بیست سال از این جنایت، زمانی از آن سخن گفتند که این امر می توانست برای آن ها امتیازی در معاملات دیپلماسی با دولت ایران محسوب شود.



همزمان با ما در نقطه دیگری از شهر اکسیون اعتراضی از طرف جمعی از نیرو های رادیکال، نسبت به دخالت نظامی غرب در کشور سوریه برقرار بود. با توجه به اینکه برگزار کنندگان این اکسیون خیلی دیر اطلاع داده بودند ما نتوانسته بودیم مشترکا یک مکان را انتخاب کنیم؛ بنا براین با ارزیابی شرایط و مشورت جمعی در محل، تصمیم گرفتیم که بخشی از نیروها به محل برگزاری این اکسیون بروند.



این تصمیم به ما امکان داد که ضمن پخش اعلامیه بتوانیم با حاضرین در این اکسیون هم در رابطه با نقش دولت ایران و امپریالیست های شرق و غرب در سوریه وارد گفتگو شویم.

برای یکی از مردان سوریه ای که در ابتدای صحبت نظر مثبتی نسبت به دولت ایران داشت، غیر قابل باور بود که هزاران زندانی سیاسی طی مدت کوتاهی، فقط به جرم عقاید خود و بخشا بعد از سپری کردن دوران محکومیت شان، اعدام شده باشند. یکی از دوستان ما برای او شرح دادگاه های چند دقیقه ای تابستان 67 را داد و همچنین اطلاعات دقیقی در رابطه با نقش پورمحمدی و حضور او در کابینه فعلی دولت روحانی را اضافه کرد. این نکات برای سایر افرادی هم که این صحبت ها را می شنیدند تازه گی داشت و وارد بحث شدند.

یک دختر جوان سوری می گفت که به دیکتاتور بودن اسد واقف است ولی برای پیش گیری از دخالت های نظامی امپریالیست ها ناگزیر به سمت گیری با اوست. یکی از زنان 8 مارس برای او از وضعیت زنان مصر مثال آورد که چه طور بلافاصله بعد از سقوط مبارک، به دست نیروهای انتظامی و ارتش، وحشیانه سرکوب و تحقیر شدند ولی بار دیگر خوش خیالانه برای سقوط حکومت مُرسی، به همان نیروهای وابسته، ضد زن و وحشی ارتش متوسل شدند و از آن حمایت کردند؛ اینکه اگر فقط ما یکی از دشمنان را ببینیم می توانیم به سربازانی برای یکی دیگر از دشمنان مان تبدیل شویم و با دست خود نابود کنندگان مان را تقویت کنیم. زنان و مردان زحمتکش منطقه باید به قدرت خود ایمان داشته باشند و بدون وابستگی به نیروهای ارتجاعی و امپریالیست ها، با وحدت خود دنیای دیگری را بنا نمایند.

در پایان قبل از خداحافظی، برای ارتباطات بعدی ادرس تماس دادیم. در مجموع، خط ما و محتوای اعلامیه با استقبال خوبی مواجه شد و امیدواریم که ارتباطات مان ادامه یابد.

سپتامبر 2013

سازمان زنان 8 مارس (ایران- افغانستان) واحد برمن